

بریسله



چواره مین میهره جانی شانۆی کوردی

سه قز - ۲۰ ی خه زمانانی ۸۱

دو ژن سی جایزه.... سی ژن چن جایزه؟



پریس:

مدیر مسئول: عبدالخالق عبادی

سر دبیر: شورایی

هیئت تحریریه:

خالد خاکی، اسماعیل پاشایی، صابر دلینا،

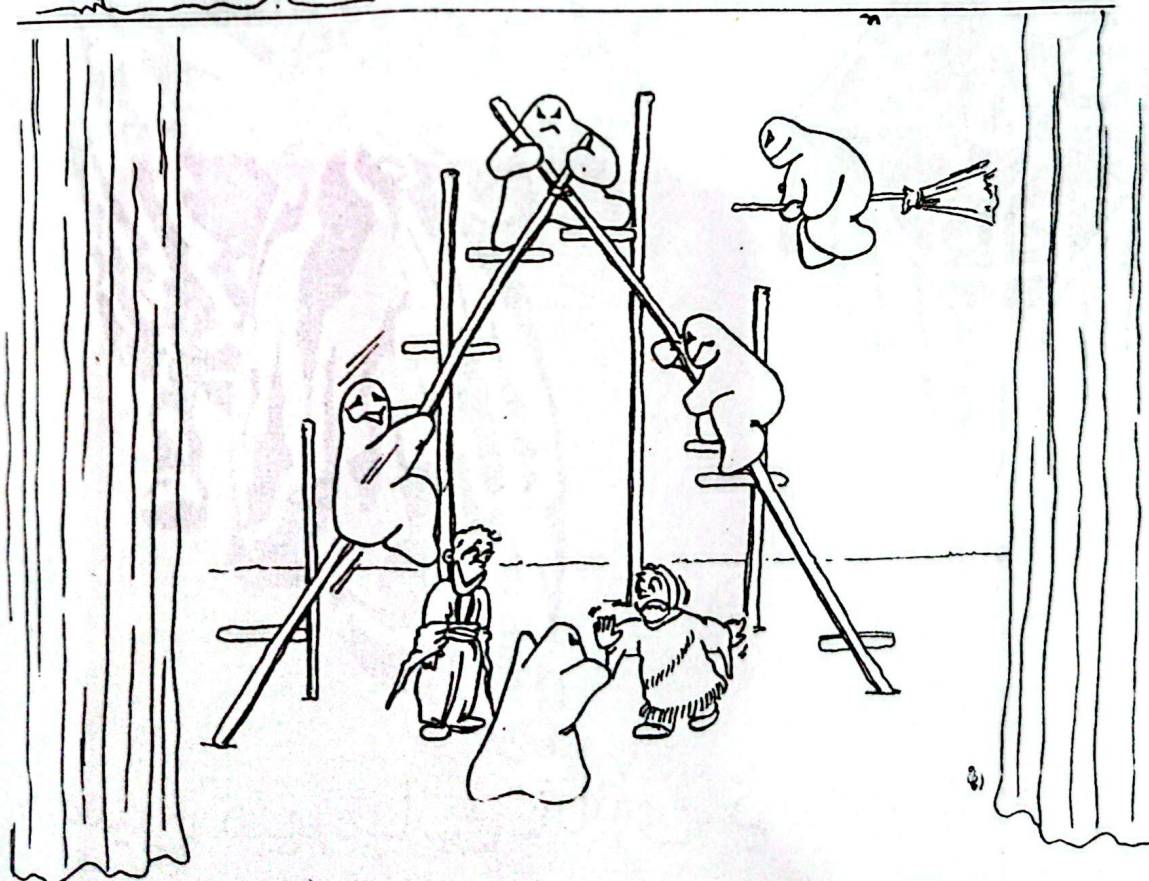
بهزاد رهبر، مسعود رحیمی، جمیل منصوری

گزارش: فرهاد حامدی، تهمینه جهانگیری

کاریکاتور: اسماعیل رضایی

حروفچینی: هیوا جانانی

صفحه آرایی: جمیل منصوری





چند نقد بر نمایش «شاخ»

نویسنده: زاهد آرمی

کارگردان: فریدون حامدی

○ شاخ با اجرای متنی صددرد صد روایی، هر آن چه را مدنظر عمل نمایشی باشد، زیر سؤال می برد. در این کار ما عمل نمایشی را مکمل متن نمی بینیم بلکه تنها به عنوان عنصری زاید بر دید تماشاگر تحمیل می شود. چرا که کلام بازگو کننده ی همه چیز است و فرصت خودنمایی را از عمل می گیرد و اصولاً صرفاً خواندن چنین متنی از به اجرا درآوردن آن تأثیر گذارتر است. در اجرای کار، ما شاهد عنصری هستیم به نام «نماد» که از آن استفاده های یک «نشانه» می شود در حالی که نماد، عنصری تعریف شده و خاص است یعنی این که مثلاً «رنگ سفید» اگر تداعی کننده ی ارواح پاک باشد، نمی تواند القا کننده ی خیانت و پلیدی هم باشد و برای نشان دادن این ویژگی باید از رنگی دیگر استفاده کرد. اما در مورد «نشانه» چنین نیست و از نشانه می توان به عنوان جزئی از عناصر اجرایی در تصویرهای مختلف و مفاهیم گوناگون استفاده کرد. بنابراین ۵ کفن پوش اگر نماد و نمایانگر ۵ هزار شهید یا هر عددی مشتق از ۵ روح پاک باشد نمی تواند نمایانگر لشکر میر که ویژگی آن ظلم و جبر است - هم باشد. مگر آن که بدون تحمیل «نماد» از این عده به عنوان «نشانه هایی که می توانند تغییر هویت بدهند» استفاده کرد و دیگر این که القای مستقیم حس به تماشاگر، پیام نمایش را زیر سؤال می برد. نمایش نامه ی تراژیک خود به خود با بار درونی خود تماشاگر را تحت تأثیر قرار داده و غمگین کردن تنها با تمهیدات نمایشی نخواهد به زور القا شود نتیجه ی

○ «شاخ» با پرداختن به روایتی کهن از نگاهی نو با بهره گیری از خط کمرنگ داستانی، در صدد بیان کشمکش بین آزادی و استیلا، اسارت و رهایی می باشد و نهایتاً بیداری و آگاهی ... متن به خودی خود به دلیل روایت صرف در اکثر دقایق آن از ماهیت دراماتیک هنر تئاتر فاصله می گیرد و تلاش صادقانه کارگردان در تصویری کردن دیالوگهای روایی و طولانی اثر، قابل تمجید است. اما آنچه در وحله اول به چشم می آید طرح صحنه مبتکرانه و زیبای اثر است که ضمن تناسب با فضای کار، قابلیت های لازم را با سبک و سیاق اجرایی دارا می باشد. کارگردان «شاخ» با اتخاذ شیوه مناسب اجرایی و شناخت المانهای نمایشی تا حدودی زیادی دارای ارتباط با مخاطبان خوش موفق بوده است. اما در این میان به نظر می رسد که در لحظاتی حضور بازیگردانان در پس زمینه زاید بوده و گاهای فراز و فرودهای بازیگران بر روی پله ها تکراری می نمود. گونه به گونه ی و تظور قهرمان عزمی که نهایتاً در غوطه ور شدن وی در آتش نمودی یابد و از این رهگذر تزکیه می زاید، رها ورودی است نهایتاً «شاخ» به ارمغان می آورد. ابتکار حامدی در به تصویر کشاندن وقایع به کمک بازیگردانان اگر چه موفق بوده است اما ماهیت متن به ناچار گاهاً دست هر پنج بازیگران را به همراه حامدی در نا گذاشته. ضمن خسته نباشید برای عزیزمان ابن گروه آرزوی توفیق داریم.

بهزاد رهبر



کاری است پرواها. اف نوحه سربابی ها و در مورد کار کمیک هم همینطور، طنز درونی و حرکات کمیک می تواند به هدف کار کمک کند و به زور خندانند تماشاگر همان لوده بازی است. در این کار احساس می شود القای حس اندوه، هم دردی، امید و نومیدي به اجبار به تماشاگر تحمیل می شود. **همیده میزایی**

است تا با استفاده از فرم، نورپردازی، موسیقی، طراحی صحنه های آن چنانی، اجرایی و نگاه تازه ای دست یابد. اجرا در ژانر خودش تا حدی موفق عمل می کند. اما بازی های تپیکال دوبازیگر اصلی که بارها از آن ها دیده ایم و عدم تغییر و پویایی شخصیتی بازیگران در مواقعی در صحنه کار کارگردان را دچار

مشکل می کند. عدم وجود

تعلیق مناسب در فضای اجرا که تا حدی به نویسنده برمی گردد کار را یکنواخت و در مواقعی خسته کننده می کند و حتی بازی های عزیزی و یزدانی کمکی به نجات آن نمی کند.

طراحی صحنه زیبا و مناسب و هم خوان با تم است و تا حد زیادی استفاده ی درست و به جا جهت استینک صحنه می شود اما چنین فضایی تیره و وهم آلود با حضور آن به ظاهر مردگان و شب ها آبا مناسب

چنین فرهنگ و سستی است یا خیر که جواب بماند.

موسیقی کار تکرار کار پیشین حامدی همان ازدهاک بود. که دریغ اگر تأملی بیشتر می کردند حتی آراهای آن ها در موسیقی محلی ما جایگاهی ندارد و خصوصاً اوج نمایش که نشان از عدم وجود آهنگ ساز کارآمدی بود.

علیرضا اسماعیلی



C امروز در جهان سوم

یک تشنگی وجود دارد همه منتظر یک ایدئولوژی با یک تفکر و یا یک فکر نو هستند که ممکن هم هست فکر نو درستی نباشد. نمایش به تکرار داستان قدیمی و سنتی میردازد که کمتر دستمایه ی نویسندگان محلی بوده است، نویسنده ی متن قهرمان را از بیان مردمان بر می آورد و به میان آنان باز می گرداند و در این راستا، تا حدی به قضاوت تاریخی می نشیند. زبان او در

این نمایش نامه گاه فاقد هویت دراماتیکی است و در بین یک زبان فاخر و یک زبان عامیانه درنوسان است بدون آن که بخواهد بعد زمان را در اجرا بشکند و در تکه هایی دچار شعارزدگی می شود ولی به هر حال نویسنده سعی دارد با تکیه بر فرهنگ این مرز و بوم افق جدیدی را بر صحنه ی اجرای نمایش بگذارد. اما کارگردان محترم در ادامه ی کارهای پیشین کوشیده



با تماشاگران نمایش شاخ

له هه مو ئه و شاخه وانانه ی شاخیان رازاندیق وه سپاس .

سه ركه و تۆتر بن

عەبدولەزەزەزە حەمان قەهیمە

کار شاخ کار زیبایی بود دست کارگردان و عوامل
کار کاملاً مشهود بود ولی از لحاظ بازی ، هم آقای
یزدانی و هم خانم عزیزی تکرار شده بودند، تجربه
جدیدی از ایشان ندیدیم ، فکر می کنم آقای یزدانی
خیلی تواناتر از آن بودند که در صحنه شاهد آن بودیم
انتظار بیشتری از اوداشتیم .

جهانگیری

له بهردا سوپاس و ریتزم هیه بۆ گروپی شانۆی شاخ
ئیشیکی جوان و رازاوه بوو ، به لام دهقه که نهیتوانی بوو
ئه و ئال و گۆرانه ی که پێویستی پاله وانی شانۆکه واته
هیاو بوو پێک بێت و وهك شعاریك پاله وانه که ی شانۆی
بۆ سووتانیک بی ناکام به ری کرد .

جوله وله حنی کاک هادی به زدانی زور یارمه تی
دله راوکییه کانی نووسه ری دابوو به لام
خوزکه نووسه رکه سایه تی که که ی نه هاوردایه ته ناو
شانۆکه ی به رای من نه گه ر نه کته ر پیاوه که خوی
هه مووشتی کایه کردایه زور ریتم شانۆ که توشی لاوازی
نه ده بوو کاک فهره بیدون پر له فکر وههستی جوانو سرنج
را کێشه هه روه ها نه و فکرانه له کاره کانی ده بیسنی
به لام خوزکه نه خته لانه یی جه م جوریان کاته وه

سه لیم که ریمه

- آقایان حامدی، آرمی بازیگران و دست اندر کاران
شاخ دست مرزاد . در آخرین روز جشنواره شاهد
یک کار جشنواره راه یافتیم برآستی احساسی کردیم
اولین روز جشنواره است و تازه شروع شده است .
ضمناً تنها ضعف جزئی کار را باید در ناهماهنگی
موسیقی در بعضی مورا د دانست . واقعاً دست مرزاد .

بهروز حاجی

- ویرای ماندو نه بن و دهست خوشانه ، به رای من
شانۆی شاخ نه توانی له بلندترین شوینی میهره جانیه کادا
شوینی خۆی بکاته وه .

خالی سه ره کی ئه م شانۆیه ، نه وه یه که بنیه ری
بیرمه ندی ده وئ و بینر ده باته ئاستیکی فیکری نه و تو
وه زده خاته کار . شانۆی شاخ شانۆیه کی و یاری
کراوی بینر ده نیه و له ژیر چۆخه کانی هزرده خۆی
حه شارداوه

سان نه حمده ی / سلیمانی

- شاخ به رزه و مه و جه ی به ئانائینه ، شانۆی شاخیش
به رزیو کاریکی جوان و له به ردلان . به تایبه ت له و
بایه ته وه که ئامازه کرابوو چیرۆکه کون و ره سه نه کانی
کوردی . به رزی نه و چیرۆکانه له شاخ دا دیترا ، که لک
وه رگرتن له و جیره چیرۆکه ره سانه کوردیانه له شانۆدا
نام و چیرۆکی شانۆ شیرین تر ده کا و له لاییکیشه وه
پااستنی میژینه ی فره هنگی و نه ته ده یی که له که مان .

من لام وایه که لک وه رگرتن له فۆلکلور و فره هنگی
نه وایه نیمان . له بیگانه بیزارمان ده کا .



شانۆی شاخ

داوی دهست خوۆشی و ماندوو نه بوون له گروهی شانۆیی شاخ ... هیوای سه رکه وتن و کاری داهینه رانه ترسان بۆ ده خوازم ، نه مه شانۆیی به به ره ای من جیاوازییه کی ته وای هه بوو له گه ل تیکرای به ره مه کانی تردا و کاری جوان و باشی تیدا کرابوو ... بۆ به نامه وی باس له لایه نه باش و ئیجاییه کان تیبینی بکه م به په سه ندی ده زانم هه ندی و سه ره نجی بنه وه روو به ئومیدی جوانتر کردنی به ره مه شانۆیی به که ، که نه مانه ن :

۱- نواندنی خانم شعلهی عزیزی له مه موو نه کتاره که کانی تری شانۆیییه کانی کوردستانی ئیران باشتربوو ، به لام خالی سلبی نه وه به که نواندند که ی هیچ جیاوازییه کی نه بوو له گه ل نه و نواندندی که له شانۆیی تاسه لم هه شته مین فستیوایی شانۆیی سلیمانی نمایشی کرد ، واته نه داء و القای صوتی هه مان شت بوو.

۲- بینایی درامی له ده فه که دا زۆر لاوازه ، ده کرێ بلیم زیاتر شیوازیکی په خشانه شیریی پتوه دیار بوو.

۳- به کار هینانی نه و ئاگره ی سه ر شاتۆ زۆر جوان بوو ، به لام مانه وه ی بۆ کاتیکی زۆر نه و جوانییی له ده ست داو چاوی تیر کرد تاراده ی بیزار بوون هه روه هانه تونرابوو نه کتاره وه ک پتویست مامه له ی له گه لدا بکات .

۴- نه بوونی ته رکیتر لای نه کتاره کان ۵- القای کار نه کتاره کان له گه ل حاله ته کاندایه کانگیر نابنه وه .

له کۆتاییدا پێشنیار ده که م که سازدانی فستیوال ته نها بۆ ناوبۆژماره و ریز به ند کردنی فلیتیوشی به که م و ده وه م ... هتد نه ؟ به ییت ، به لکۆبۆ نیشاندانی کاری جوان و پیر داهینان و ناوازه بیته هه روه ها شانۆیییه کان پیش نیشاندانیان به فله ریکدا تی په ریته و سانشۆر بخزیه

سه ر به ره می کال و کرچ ، جاریکی تر ده ست خوۆشی له ستانی شانۆیییه که ده که م و ئومیدوارم تیبینیه کان به روحیکی وه رزسکارانه وه وه ربگریته ، هه ر شادو سه رکه وتو بن .

تا هه عبدالله امین

سه باره ت به شانۆی گۆرانی چایکا

شانۆی «گۆرانی چایکا» رولیکی ته کی و ته نیا بوو که پێم وابی کاک حه مه زۆر جوانی ته منیل کرد شاتۆ به کی که بێ نه کتاره نه قشی مقابل بێ ده بێ زۆر سه فته و موشکیل بێ که له ناو نه و شاتۆیدی دا به راستی نه و نه کتاره

۱- توانیبوی به یانی باشی بێ ۲- له شی ئاماده بوو ۲- نه فه سی باشی بوو ۴- ... به لام ده قی شاتۆکه زۆر به دل نه بوو و نه یوانی شانۆیه کی باش ده ربجیته شه مزین جیهانی

داوی لی بوردن له شاتۆکارانی شانۆیی گۆرانی چایکا ده که مین که به داخه وه رخنه و رای بینهران سه باره ت به و شانۆیه نه گه یشته ده ستمان.

بریسه



الیناسیون «از خود بیگانگی» Elation «تئاتری

دکتر علی شریعتی در تعریف از «الیناسیون اجتماعی» گله‌مندی از ماشین‌ساز را رد می‌کند چرا که وی معتقد است ماشینی که ده ساعت کار را در یک ساعت می‌تواند انجام دهد نمی‌تواند متهم به تخریب زندگی انسانی شود. آنچه باعث بروز الیناسیون (جن‌زدگی) اجتماعی می‌شود. این است که انسان قبل از شناخت خود وجودی و اهداف و خواسته‌ها و تمایلات خویش در گیر زندگی ماشینی می‌شود و تسلط ناگهانی ماشین بر انسان، دیگر فرصت اندیشیدن و تأمل و بازگشت به طبیعت را از وی می‌گیرد.

تئاتر امروز ما هم مبتلا به عادت ناپیدای الیناسیون است این ناپیدایی به جهت پنهان بودن این حالت زیر برجسبایی تحت عنوان «سنتی گرایی» «مدرن گرایی» و انواع «اسیم» ها است و این در حالی است که عوارض ناشی از این پدیده ناخودآگاه از لابه‌لای تمام توجیهات و تعبیرات بیرون می‌زند و اولین پیامد منفی حاصل از الیناسیون تئاتری که همان تحمیل ناخودآگاه قراردادهایی است که ریشه در سلیقه‌های شخصی و نه صرفاً تئوریهای به اثبات رسیده، دارد؛ هنگامی روی می‌دهد که تماشاگر ۵ الی ۱۰ دقیقه اول نمایش را می‌بیند و بعد بی آنکه درگیر ماجرا بشود و حوادث را دنبال نماید تنها به انتظار پایان و نتیجه‌نهایی می‌ماند. این عکس‌العمل از این بابت است که آنچه نمایش داده می‌شود چه از لحاظ محتوای متن و چه از لحاظ اجرا تکرار مکررات است و نیازی به دخالت عمل عقلی تماشاگر بادیده و شنیده‌ها، احساس

نمی‌شود. به عنوان مثال فلان شخصیت «قوی» در نمایش امروز که به شیوه سنتی اجرا می‌شود همان رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌هایی را از خود بروز می‌دهد که فلان شخصیت «قوی» دیگر در نمایش دیروز! و یا این «تکه پارچه» و «سکو» و «چوبدستی» که بر روی صحنه جزء دکور، اکسسوار و یا ابزار دست بازیگراند به همان شیوه‌ها و مفاهیم به کار گرفته می‌شوند که در سایر نمایشهای قبلی (به همین شیوه اجرایی) شاهدش بودیم و این همان الیناسیون در تئاتر است که کارگردان ناخودآگاه دست به تکرار شیوه‌ها و استفاده یک جور از ابزارها می‌زند و در مورد بازیگران خصوصاً «میمیک» و «ژست» دچار این حالت می‌شود اما آیا تئاتر سنتی محکوم است و یا می‌توان لزوم مدرنیته را انکار کرد؟

اگر باور داشته باشیم که سنت فراتر از این چند «المان» شناخته شده عام است و مدرنیته چیزی فراتر از شکستن ساختار، فرم و ریتم است، تئاتر الینه نمی‌شود. پس چاره‌ای نیست جز بازگشت به طبیعت تئاتر که خود خالق نویسنده، کارگردان و بازیگر نمایش هم‌هست و این باور را باید پذیرفت که تئاتر گزینشی بسیار متفکرانه از گذشته، حال و آینده‌ی تاریخی است که محدودیت بردار نیست و چه بهتر که مثال قوانین علوم تجربی، تمام شیوه‌های شناخته شده‌ی اجرایی را در حد فرضیه‌ای بدانیم که خود سوال برانگیز است اما پاسخگونه، اینجاست که دیگر برای آنکه متنی را روی صحنه بیاوریم نه با اجبار ناخودآگاه به قراردادهای سنتی، بدون انکار اصل شیوه‌ی اجرایی، دست می‌زنیم و نه فرار از این شیوه ما را در مغناطیس مدرنیته به صورت راکد جذب می‌کند!

شمیده میرزایی



- کوری ره خنه لیکۆلینه وهی میهره جانی شانۆی کوردی
یه کئی له و رووداوه به نرخانهیه که له که ناری میهره جاندا
روونه دات و ژماریه کی زۆر له روشن بێران و کچ و کوپی
شگهنچ و هۆگری هونه ر له خۆیدا کۆ رۆشن بێران و کچ
وکوپی گهنچ و هۆگری هونه ر له خۆیدا کۆ نه کاته وه ؛
ریمه نی به شدار بودان و ئاستی هۆگرییان له ره خنه
دیالۆگ پیشانده ری نه و راستیه که میهره جانی شانۆ
کاریگه ری زۆر باشی بانگهێشت و راهێنانی لاوتی
شاره که مان بۆ مه وڵدان له پروژه یه کی شارستانیدا
مه بووه ئهم کۆره بووه به جیکه ی گورینه وهی بیرو
بۆچوونی جیاوازی له باره ی دۆسیه جوارا و جۆره کانی
بابه تی گشتی شانۆ و بێگومان له چامسازی بهر
مه مه کان بۆ فستیوآله کانی تر ده ور نه بینێ . به لام له و
رووه وه که هه ر جۆره دیالۆگ و راگۆرینه وه یه که
پتویستی به که شتیکی دیمۆکراتی مه یه و له مه مانکاتدا
باش وایه پسپۆرانه له سه ر بابته جۆرا و جۆره کان
په یقین بکریته و له م ریگه وه له په رش و بلاوی
لیدوانه کان و ئالۆزی کۆره که و لیک دان و ته وس و توانج
به رگری بکریته . بۆ ئهم مه به سه پتویستمان به گۆپان
کاری پێشنیاری نوێ بینه مه یه دانه وه منیش وه که
پێشنیاریک لام وایه له جیکه ی ئاوه له کردنی ئاراسته ی
دیالۆگ بو ناو مه مو به شدار بووان و ریگه دان به هه
جۆره راده ر برینیکسی ناپسپۆرانه و کاتکۆز بۆ هه
شانۆیک چه ند که سی شاره ز له ره خنه دا بانگهێشت
بکریته بوو به شدار ی کردن له میزگردیکدا و هه ر کام
له مانه لایه نیکی به ره مه که بخاته بهر باس و توێژینه وه
و هه ر نه مانیش بهر پرس بن به رانه ر به پرسیاره
نووسراوه کانی دانیش توانی کۆره که من وایه زانم که به م
جوره مه نگاوێکی نوێ و ریک پیک تر بۆ فه راهم کردنی
که شیکی گونجاو بۆ ره خنه و دیالۆگ پیک ده میتین .
له گه ل ریزمدا .

مه سعود ره حیمی

کی از چه فیلمی خوش می آید؟

صابر دلینا: تمهه ی هه
اسماعیل پاشایی: کمیسر وارد می شود.
فسره معین افشار: رئیس بزرگ
پرویز فاضل نژاد: پ مثل پیکان
علی رضا اسماعیلی: یه دلبر و هزار ددرسر
فالد فاک: مردی که می فندد
مفتار محمدی: یزما فوشگله
فاتح صالحی: موسر فیه
افشین ناصری: صفره نورد
ابراهیم کاظمی: ایوان مخوف
جمیل مفافری: جن گیر
عباس بنی عامریان: قلندر
علی ظفر قهرمانی نژاد: طبیعت بی جان
فاتح بادپروا: گنج قارون
فریدون مامدی: ناگهان بالتازار
شیلان (همانی): دفتری با کفش های کتانی
هانا نامداری: دوزن
شهرام میرزایی: اله، اله، من بوجوام
امد صالحی: پیرمرد و دریا
صلاح محمدی: مرگ یزدگرد
کاروان عوسمان پویا: دیوانه از قفس پرید
آزاد سوزه: زندگی در مه
محمد صالح عبیدی: بودن یا نبودن
دبیر جشنواره: شهر در دست بچه ها
مسعود رمیمی: عملیات کرکوک
علی شریفی: گربه آوازه فوان
رمیم عبدالرمیم زاده: ویولن زن روی بام
مولود مجیدی: نوستالژیا
سلیم کریمی: تارزان
جمال ایمانی: پارک ژوراسیک

آراء هیئت داوران

۱- طراحی نور:

الف) رتبه دوم: اهدای لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰/۰۰۰

ریال به سرکار خانم نگار مقتدری (نمایش

سنور)

ب) رتبه اول: اهدای لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به آقای فرهاد حامدی (نمایش شاخ).

۲- طراحی بروشور:

الف) رتبه دوم: اهدای لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰/۰۰۰

ریال به آقای مختار هوشمند (نمایش ژانی ژن).

ب) رتبه اول: اهدای لوح یادبود و مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال به آقای روزبه حبیبیان (نمایش عروس).

۳- طراحی لباس:

الف) رتبه دوم: اهدای لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰/۰۰۰

ریال به خانم بیان بهمنی (نمایش پیلان).

ب) رتبه اول: اهدای لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰/۰۰۰

ریال به آقای کاروان عثمان چوار (نمایش هملت).

۴- بخش موسیقی:

الف) رتبه دوم: لوح یادبود به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال به

آقای آرمان طیفور (نمایش پیلان).

ب) رتبه اول: لوح افتخار به مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به

آقای هیوا امام جمعه (نمایش شاخ).

۵- طراحی صحنه:

الف) اهدای لوح تقدیر به طراح نمایش سنور، آقایان:

عبدالناصر شفیعی و امیر مقتدری

ب) رتبه سوم: اهدای لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰

ریال به آقای رضا سنجابی (نمایش عروس)

ج) رتبه دوم: اهدای لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰

ریال به آقایان فرهاد و فریدون حامدی (نمایش شاخ)

د) رتبه اول: اهداء لوح تقدیر، تندیس جشنواره و

مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال به آقایان فاتح باد پروا و مختار

هوشمند (نمایش ژانی ژن)

۶- بازیگری (ن):

الف) اهداء لوح تقدیر به خانم هانا نامداری (نمایش

خانزاد).

- اهداء لوح تقدیر به خانم شیرین نیکدل (نمایش خج

و سیامند).

ب) رتبه سوم: لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به

خانم شبنم عظیمی (نمایش عروس).

- لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به خانم نیشتمان

رسول نژاد (نمایش سنور)

- لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به خانم مهتاب

حسینی (نمایش وت و ویز)

ج) رتبه دوم: لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به

خانم دالیا عثمان چوار (نمایش هملت)

- لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به خانم توران

یاقوتی (نمایش عروس)

د) رتبه اول: لوح تقدیر، تندیس جشنواره و مبلغ

۴۰۰۰۰۰ ریال به خانم شیلان خردمندی (نمایش

ژانی ژن)

- لوح تقدیر، تندیس جشنواره و مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال

به خانم شعله عزیزی (نمایش شاخ)

۷- بازیگری مرد:

الف) لوح تقدیر به آقای علانباتی (نمایش خج و

سیامند)

- لوح تقدیر به آقای مختار محمدی (ژانی ژن)



ب) رتبه‌ی دوم: لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به آقای فریدون حامدی (شاخ)

- لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به آقای عباس بنی عامریان (عروس).

د) رتبه‌ی اول: لوح تقدیر، تندیس جشنواره و مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال آقای کاروان عثمان چیوار (هملت).

- لوح تقدیر، تندیس جشنواره و مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال به آقای ابراهیم کاظمی (پیلان).

۱۰- نمایش برگزیده:

هیئت داوران دو کار برگزیده دارد:

- هملت به کارگردانی کاروان عثمان چیوار از سلیمانیه.

- نمایش پیلان به کارگردانی ابراهیم کاظمی از سندج.

تقدیر ویژه:

۱- اهداء لوح یادبود و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به آقای

سوران حسینی برای ترجمه‌ی نمایشنامه‌ی «وت ویز».

۲- اهداء لوح یادبود و مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال به کارگردان نمایش «نه و که سه‌ی دایم».

۳- اهداء لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به خانم

الهام بسطامی بخاطر فعالیت پی گیر در زمینه‌ی تئاتر گردی در شهرستان سرپل ذهاب.

هیئت داوران:

بدیعه دارتاش

مسن دادشکر

ناصر کامکاری

دکتر قطب الدین صادقی

ب) رتبه‌ی سوم: لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به آقای هادی یزدانی (نمایش شاخ).

- لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به آقای آرش عباسی (پیلان).

- لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به آقای فرزاد حسن میرزایی (وت و ویز).

ج) رتبه‌ی دوم: لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به آقای هاوری قادر رشید (نمایش هملت).

- لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به آقای واسع حسینی (نمایش پیلان).

- لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به آقای یوسف کاکه همه (گورانی چایکا)

د) رتبه‌ی اول: لوح تقدیر، تندیس جشنواره و مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال به آقای عباس بنی عامریان (نمایش عروس).

۸- الف) نمایشنامه نویسی:

ب) رتبه‌ی سوم: لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به آقای علیرضا اسماعیلی (خج و سیامند).

ج) رتبه‌ی دوم: لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به آقای مولود محمد (پیلان).

- لوح افتخار و مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به آقای جمیل مفاخری (خانزاد).

د) رتبه‌ی اول: لوح تقدیر، تندیس جشنواره و مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال به آقای مختار محمدی (ژانی ژن).

۹- کارگردانی:

الف) رتبه‌ی سوم: لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به آقای فاتح بادپروا (ژانی ژن).

- لوح یادبود و مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به آقای ابرج امین توکل (وت و ویز).

روک که ردن به مواردی خوم گیشتم . هر چند نه خنی
کیش درهنگ ، خرمانه‌ی به خره خرم هاتو زانی که
جیگای نه ماره له م دهورو دووگانه ، زبانی دریزی خوی دا
به کول یا رویش بو فستیوالی که ، پیم یان و ت که نه ورو
فاتحه خوینیه بو شه و قیرسیچم و بی خور . گاتی منه
(بهش خورار) و له بریسه هه لواسراو . نه که روژی
نه و له نه بووم نه و ی که قه له می چور و مل و بازوی
قه له و کوت و کراسی جوانی نه بویه نه م ده مینا بو
بو لتهن بو میوانانی نازیز سه ماره وری بوشکه نیشام
داده گرساند ولی که سم به وینه کردنی کاریکاتور
نه دهره نجان له ستادی نیجریایی به جیگای کارت
شناسایی تابلوی گوره و جوانم دروس نه کرد بو
نینتزامات هه تا دوستانیان باشت بیان دوزنه و و
ره حه تتر جیگه یان بو بگیری

نه که روژی نه و له ...

راوهسته . نیتر بهسته . نه که شتیووه تیه ته به ووه ،
دوکانته کردووه ته و ؟ بو بیت وایه خرمانه ، نه وهنده
به سزمانه ؟ خرمانه خوی کوری ده ورا نه قاره مانی
قاره مانانه ، نه که پالوانی فستیوالانه ، دژ
به «خزه لواس» و «خو نه ناس» و زاپاس و ...
خرمانه دلنیا به ، خژی نه بی ، زبانی نه زنی و ناوی
نه زنی و قاری شاره و شار نه گری و ...

خرمانه ، فرمانی هه رمانه ، رو ده چی و هه له نه داته ووه ،
کز له که ردون نه باته ووه ، به لام جاری نیختامیه به ، به
دژعا و مال ناوا ...

ف . سالدی

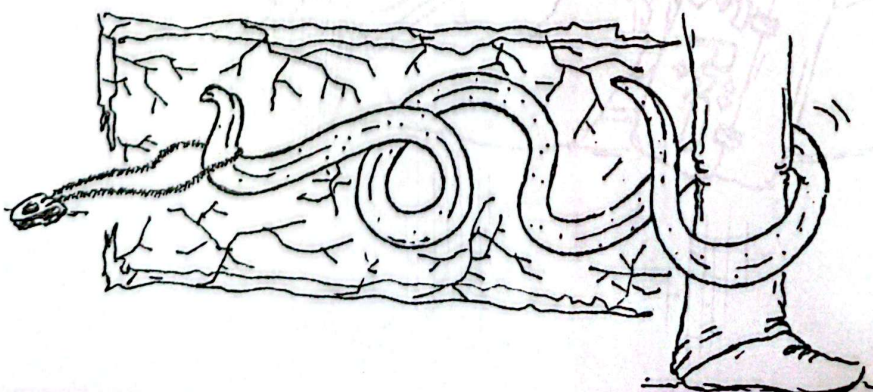
بزیله به جای مسئولین بر گزار کننده جشنواره، از
زحمات همه‌ی دوستان زیر که در طول برگزاری
جشنواره به راستی زحمت کشیده‌اند تقدیر و تشکر
می‌نماید و اگر دوستانی از قلم افتاده‌اند به بزرگواری
خود بر ما ببخشایند:

عطا احمدی	شهین محمودی
اکبر خامه‌ای	پر شنگ امانی
مسعود غفاری	رحیم عبدالرحیم زاده
وریا سلطانی	صابر دلنیا
وریا شاکری	شهرام میرزایی
امین صادقی	کاوان فتحی
سالار سلطان پور	امیر سلطانی
طریفه کریمیان	نادر اردلان
صبری و صبور عهدانی	عطا آذرپیرا
خلیل بابامرادی	علی قهرمان نژاد
احمد محمدی پور	علی شریفی
عثمان چوگلی	علی سهرابی
علی سلطانی	جعفر عبدالله پور

خرمانه

خزه لواس

نوخه‌ی و منیش
وه که گشت
نه وانی به موراد
نه گن و به ناوی
جایزه ، میدالیه‌نی
نیابردنی بینه و
دهورگیر و ... له به



مراسم اختتامیه و داور برگزیده در دفتر بریسه

بیژن خهس بی یا تراو؟

